

خنده پایداری با صبح ایران

چگونه قالیبافی‌ها از لیست‌های غیراصولی اصولگرایان شکست خوردند؟

با نگاه «نه لیست اصلاح طلبان نه لیست اصولگرایان» در تهران از طرف علی مطهری به عنوان لیستی میانه‌رو مطرح شد؛ صدوسه نفری که بنابر آمار انتخاباتی تا الان ۳۳ نفر از آنها به مجلس دوازدهم راه یافته‌اند و البته از رای آوری «صدای ملت» در تهران در نبود فعالیت تشکل‌ها و احزاب آن، هیچ خبری در کار نیست.

در آن سو و در جبهه رقیب اما تنور انتخاباتی داغ داغ بود. اختلاف بین جبهه پایداری و شورای ائتلاف نیروهای انقلاب (شان) در بستن لیست ائتلافی، بحث بر سر حضور چهره‌ها در سایر لیست‌های مختلف موجب شد که دعوای اصولگرایان به فضای مجازی و رسانه‌ای هم برسد؛ آنجا که امیرحسین ثابتی از غلامعلی حدادعادل و استفاده از اصطلاح «چنار و پاجوش» انتقاد کرد. یا مثلاً مالک شریعتی بر سر حضور محسن دهنوی تا قهر پیش رفت و پس از انصراف دهنوی از حضور در لیست شان و جبهه پایداری، این بار محسن پیرهادی منتقد و شاکی شد که باید نام او اضافه می‌شد اما محمود نبویان در لیست قرار گرفت. با علی اکبر انری پور، دبیرکل «جبهه صبح ایران» در نشست خبری اعلام موجودیت این تشکل در روزهای منتهی به برگزاری انتخابات گفت: «ما افرقه، ضدعلما و ضدولایت فقیه و نفوذی خطاب کردند، چه خبر است؟ فقط یک

نوشته‌ام در اینجا به نوعی تکرار می‌کنم: لزوم اهتمام به انسجام ملی و به حساب آوردن همه گرایش‌ها، سلیقه‌ها و اقوام و مذاهب و طبقات و گروه‌های اجتماعی که رنگین کمان ملت از آن تشکیل شده است و فراهم آوردن امکان مشارکت جدی آنان در همه امور و از جمله برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی و مقدمه آن گذر از فضای تنگ امنیتی به فضای باز و مسئولانه سیاسی...» و البته سند راهبردی انتخاباتی جبهه اصلاحات، از حضور پای صندوق رای اجتناب کردند و البته جمعیت اقلیتی ۱۱۰ نفری نیز بودند که با بیانیه‌ای با عنوان «روزنه‌گشایی کنیم» از حضور در انتخابات حمایت کردند و البته سه حزب اصلاح طلب ندای ایرانیان، کارگزاران سازندگی و اعتماد ملی و حزب میانه‌رو اعتدال و توسعه از ۱۰۳ نفر در سطح کشور حمایت کردند، در این بین لیست «صدای ملت»

گروه سیاسی: ساعت ۱۲ نیمه‌شب جمعه، رای گیری انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری به پایان رسید و از ساعات اولیه روز دوازدهم اسفندماه شمارش آرا آغاز شد؛ انتخاباتی که در هر دو جبهه سیاسی کشور بزنگاه حساسی محسوب می‌شد.

اصلاح طلبانی که حداقل نقش آفرینی برایشان امکان پذیر شده بود در نهایت اکثریت به سکوت و عدم ارائه لیست براساس تصمیم جبهه اصلاحات پرداختند؛ و جمعیت زیادی از جمله سیدمحمد خاتمی رهبری جبهه اصلاحات هم براساس بیانیه ۱۵ ماده‌ای که در بهمن‌ماه سال گذشته منتشر کرد و تأکید داشت، «من نیز نه به سودای بازگشت به قدرت، بلکه برای گشودن راهی به سوی مهار بحران و عبور از تنگناها آنچه را گفته و



رشته میلیاردها دلار هزینه پنبه شد

سیدابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم با انتشار پیامی از حضور مردم در انتخابات یازدهم اسفند قدردانی کرد. در پیام رئیسی آمده است: «درود و سلام خدا بر شما ملت بصیر و شریف ایران که با حضور آگاهانه و زمان‌شناسانه در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری، موجب عزت و سربلندی بیش از پیش میهن اسلامی و یأس و سرخوردگی دشمنان این مرز و بوم شدید. بدخواهان ایران عزیز، همه توان خود را بسیج کرده بودند، تا انتخابات ۱۱ اسفند بی‌رونق برگزار شود. حضور پر از ایمان و امید شما مردم فهیم و موقع‌شناس، «نه بزرگ» به جبهه ضدبشری استکبار و پنبه کردن رشته میلیاردها دلار هزینه کرد آنها برای طراحی و اجرای این سناریوی مزورانه بود.» او در ادامه نوشت: «این حضور سراسر شور و شعور، ضرب‌شست غیرتمندانه دیگر شما به ایران ستیزان عنود، پس از ضرب‌شست تاریخی‌تان در فتنه اغتشاشات سال قبل بود. اینجانب با شکر به درگاه الهی و ارج نهادن بر عظمت و بزرگی ملت ایران، از آحاد مردم، گروه‌ها و احزاب، مراجع بزرگوار دینی، اصحاب رسانه بالاخص رسانه ملی و همه کسانی که مسئولانه برای آگاه‌سازی مردم تلاش کردند، صمیمانه سپاسگزارم.»



پیام بزرگ مردم به دشمن

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس یازدهم در پیامی درباره برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم و خبرگان ششم نوشت: «وظیفه خود می‌دانم که از مردم عزیز و مسئولیت‌پذیر ایران اسلامی خاضعانه تشکر کنم که با مشارکت گسترده خود در انتخابات، باعث حفظ قدرت بازاریاندگی کشور عزیزمان ایران در برابر فشارهای سیاسی، اقتصادی و چوبسا نظامی دشمنان شدند.» او در ادامه نوشت: «ارزش این حضور آن هنگام روشن می‌شود که توجه کنیم این مشارکت در عین فشارهای اقتصادی و انواع شیوه‌های جنگ‌شناختی دشمن برای کاهش مشارکت بوده است. مردم عزیز ما با حمیت و ایثاری مثال‌زدنی و براساس باوری که به اصل نظام اسلامی دارند، وارد عرصه انتخابات شدند و پیامی بزرگ به داخل و خارج صادر کردند که حامی این انقلاب الهی هستند. وظیفه ما مسئولان در برابر این وظیفه‌شناسی، مسئولیت‌پذیری بیشتر برای حل مشکلات مردم است.»



تکس: ایرنا

چقدر میزان مشارکت در انتخاباتی که برگزار شد، با تصورتان از میزان مشارکت منطبق بود؟ آرا شمارش شده حاکی از کشیده شدن انتخابات تهران به دور دوم است که فکر می‌کنم اولین بار است. دلیل این کاهش چشمگیر مشارکت را در تهران چه می‌دانید؟

خواهند اندیشید، ظاهراً اعضای شورای نگهبان مخصوصاً چندتن از حقوقدانان این شورا از دینی جدید پرده برداری کرده و از آن پیروی می‌کنند که در آن تهمت، افتراء، بی‌ابرو کردن و دروغ می‌باشد. با این اوصاف می‌خواستید نتیجه بهتر از این باشد؟ مثلاً در قم با چند هزار رأیی که مردم شریف و فهیم قم برای خبرگان رهبری به صندوق ریخته‌اند، در بعضی از رسانه‌ها دیدم که آقای سعیدی با ۲۴۰ هزار رای به مجلس مهم خبرگان؛ آن هم از شهر مقدس قم، نه از یک روستا راه پیدا کرده‌اند این حرکت مسئولین انتخابات خبرگان رهبری نشان دهنده این است که در این ۴۴ سال حوزه‌های ما نتوانسته‌اند به اندازه کافی مجتهد برای ورود به مجلس خبرگان تربیت کنند و یا اینکه این مجتهدین حضور دارند ولی حضور آنان به مذاق تمامیت طلبان پشت پرده خوش نمی‌آید و یا اینکه این مجتهدین هستند که به خاطر این روش انتخابات ابتدایی و صوری شورای نگهبان حاضر به حضور و ثبت‌نام نمی‌شوند. خداوند تبارک و تعالی این مملکت و مردم باوفا و ایثارگر و در رأس آنان رهبر معظم انقلاب را از شر نفوذی‌ها و مسئولین بی‌تدبیر محفوظ بدارد و شر آنان را با افشا شدن چهره کره‌ششان به خودشان برگرداند. در این رابطه با دوستان و سازمان‌های امنیتی به‌عنوان یک شهروند سوالم این است که علیرضا اکبری معوض که جاسوس انگلیس بود جایگاهش کم جایی‌گی بود؟ فلذا تقاضا دارم همانطور که او را شناسایی کردید کمی هم به سازمان‌های مردم‌آراز دیگر سری بزنید، تا سیرویی شود آنکه در او غش باشد.

مهدی شیرزاد: مشارکت در سطح کشور را در حدود ۴۵ درصد پیش‌بینی کرده بودم و آنچه که رخ داد، حدود ۵ درصد از پیش‌بینی من کمتر بود. در رابطه با کلان‌شهرها پیش‌بینی من حدود ۱۵ درصد بوده است.



حسین نورانی نژاد: تا حد زیادی منطبق بود. پیشتر گفته شده بود که چرا کسی منتظر انتخابات نیست. طیف تغییر خواه جامعه و مخالفان وضع موجود، با توجه به عدم انعطاف جریان حاکم در سیاست‌هایش و روندی که درباره انتخابات در پیش گرفته، امید چندانی به کارآمدی صندوق‌ها نداشت. در نتیجه پایین‌ترین میزان مشارکت در انتخابات مجلس اتفاق افتاد. میانگین مشارکت در انتخابات مجالس اول تا دهم بالای ۵۶ درصد است. در دو انتخابات اخیر و تغییر رویکرد به انتخابات که نتیجه را بر میزان مشارکت ترجیح می‌دهد، این رقم به ۴۲ و ۴۱ درصد رسیده است. در انتخابات سال ۹۸ با خبر ناگهانی موج کرونا مواجه شدیم و گرنه انتخابات امسال نسبت به چهار سال پیش هم اکت هفت تا هشت درصدی می‌داشت. میزان بالا و گویای آراء باطله هم اگر روشن‌تر شود، معلوم می‌شود افت مشارکت پس از سال ۹۶ ناشی از عملکرد صرفاً دولت روحانی بوده چنانچه اصولگراها تبلیغ می‌کردند یا اینکه گرایش‌ها به فراتر از این دولت و آن دولت باز می‌گردد.

حسن بیادی: با توجه به اینکه اکثر سازمان‌های اجرایی کشور در ۶ ماه گذشته حتی یک قدم برای رضایت‌مندی مردم و خوشی دل آنان بر نداشتند و کاری انجام ندادند و متأسفانه مخالف مطالبات رهبری حرکت کردند، به‌رغم تلاش‌های گسترده رسانه‌های داخلی علی‌الخصوص صداوسیما نتایج خوبی به‌دست نیامد و از کسانی که رای آوردند وضع و حال آینده را از همین الان می‌توان پیش‌بینی کرد. اگر چه از حرکت عجیب اعضای شورای محترم نگهبان که صدای رهبر انقلاب را هم درآوردند نیز در این نوع نتیجه‌نمی‌توان غافل بود که برای رفع این معضل جدی مقام معظم رهبری با صلاح خودشان حتماً چاره‌ای



حسین نورانی نژاد: طیف تغییر خواه جامعه و مخالفان وضع موجود، با توجه به عدم انعطاف جریان حاکم در سیاست‌هایش و روندی که درباره انتخابات در پیش گرفته، امید چندانی به کارآمدی صندوق‌ها نداشت. در نتیجه پایین‌ترین میزان مشارکت در انتخابات مجلس اتفاق افتاد. میانگین مشارکت در انتخابات مجالس اول تا دهم بالای ۵۶ درصد است. در دو انتخابات اخیر و تغییر رویکرد به انتخابات که نتیجه را بر میزان مشارکت ترجیح می‌دهد، این رقم به ۴۲ و ۴۱ درصد رسیده است. در انتخابات سال ۹۸ با خبر ناگهانی موج کرونا مواجه شدیم و گرنه انتخابات امسال نسبت به چهار سال پیش هم اکت هفت تا هشت درصدی می‌داشت. میزان بالا و گویای آراء باطله هم اگر روشن‌تر شود، معلوم می‌شود افت مشارکت پس از سال ۹۶ ناشی از عملکرد صرفاً دولت روحانی بوده چنانچه اصولگراها تبلیغ می‌کردند یا اینکه گرایش‌ها به فراتر از این دولت و آن دولت باز می‌گردد.

محمد مهاجری: براساس نظرسنجی‌های مختلفی که در این مدت و پیش از برگزاری انتخابات انجام شد، میزان مشارکت در این انتخابات در سراسر کشور همین حدود ۴۰ درصد برآورد شده بود و در تهران نیز تقریباً و با چند درصد اختلافی بین ۲۰ تا ۲۵ درصد پیش‌بینی می‌شد. من با اعتنا به نظرسنجی‌ها همین پیش‌بینی‌ها را داشتم. دلیل کاهش مشارکت در تهران خارج از میزان مشارکت در کل کشور نیست، اما آنچه کاهش شدید مشارکت در تهران را تشدید می‌کند این است که پایتخت شهری سیاسی‌تر است. زمانی شرط حضور در مرحله اول مجلس برای انتخابات کسب پنجاه درصد آرا بود و الان به ۲۰ درصد رسیده است. اما به جز مجلس پنجم که ۲۷ نفر از نمایندگان تهران به دور دوم رفتند، هیچ‌وقت سابقه نداشته است که نتیجه انتخابات اینگونه رقم بخورد که تعداد خیلی زیادی از کاندیداها به دور دوم بروند. البته در مجلس پنجم هم، شرط اصلی کسب آرا ۵۰ درصدی بود و آن تعداد نماینده نتوانسته بودند نصف درصد آرا را به دست آورند، اما الان که شرط کسب ۲۰ درصد از آرا مطرح است نیز کاندیداها نتوانستند این میزان آرا را نیز کسب کنند و این مسئله چند دلیل دارد: اول، مشارکت بسیار پایین مردم تهران در انتخابات، دوم، نوع رای دادن مردم بوده است، کسانی که رای دادند، به صورت لیستی آسامی را در برگه رای وارد نکردند و احتمالاً در برگه‌های رای آسامی ۵ نفر و ده نفره زیاد خواهد بود و دلیل سوم اینکه حتی کسانی که به ۳۰ نفر رای دادند نیز لیستی رای ندادند و به تلفیقی از افراد در لیست‌های مختلف رای دادند که باعث متفرق شدن آرا نوشته‌شده بر روی برگه‌ها شده است.



ادامه سر مقاله

کاهش مشارکت انتخاباتی را در ۴ سال پیش با توجه به وجود کرونا و وضع بد اقتصادی نادیده گرفتند و از کنار آن گذشتند؛ اکنون چه توجیهی برای آن وجود دارد؟ مسئله این است که نه فقط یکی از ایرادات انتخابات اخیر مربوط به آمار پایین مشارکت است، بلکه به لحاظ کیفیت مشارکت‌کنندگان و معنای رای دادن و برنامه‌های سیاسی برای حل مسائل کشور، وضعیت خیلی بدتر است و هنگامی که سطح و استاندارد انتخابات پایین بیاید به نحوی که شامل سطح عمومی نامزدها یا شیوه‌های تبلیغی آنان، یا سطح برنامه‌ها و ایده‌های آنان شود، همه و همه سقوط می‌کنند و دیگر بازگرداندن آنها به گذشته سخت و زمان‌بر است.

از این رو پیشنهاد می‌شود که وضعیت این انتخابات را به مثابه «یک حرف» بگیریم و مصداق «در خانه اگر کس است/ یک حرف بس است» قرار دهیم و اتفاق کنونی را به‌عنوان موضوعی برای رسیدگی یک گروه مستقل کارشناسی قرار دهیم که چرا به این وضع رسیدیم؟ راه‌حل و درمان آن چیست؟